

مبانی و چگونگی جبران خسارات وارده به خریدار در معامله فضولی با مطالعه تطبیقی در حقوق انگلستان

سیده مهناز لؤلؤ**

حجت مبین*

چکیده

در نظام حقوقی ما معامله فضولی با رد مالک باطل می‌گردد و مالک حق دارد، مبیع را از خریدار مسترد نماید. اگر خریدار نسبت به فضولی بودن معامله جاهل باشد، در خصوص جبران خسارات وارده به او، تردیدی وجود ندارد و قانون مدنی نیز با تأکید بر لفظ «گرامت»، مطالبه آن را مجاز شمرده است. به نظر می‌رسد که قواعد فقهی همانند غرور و اصل جبران کامل خسارت، بر مبنای قرار دادن زیان دیده در وضعیت اجرای قرارداد، به خوبی می‌تواند جبران خسارات وارده به خریدار را توجیه نماید؛ بنابراین خریدار باید بتواند ارزش روز مبیع را به عنوان خسارت از بایع فضولی مطالبه نماید. در حقوق انگلستان نیز قانون‌گذار با صحیح دانستن بیع فضولی در پاره‌ای از موارد، از مالکیت خریدار با حسن نیت حمایت نموده و از این طریق، از ورود ضرر به وی جلوگیری نموده

* استادیار گروه حقوق خصوصی و اسلامی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول)

hojjat.mobayen@gmail.com

mahnazlolo90@yahoo.com

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه شیراز

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۵/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۱/۲۶

است. دیدگاهی که در حقوق ایران می‌تواند در جبران خسارت وارده به خریدار، مورد توجه قرار گیرد. واژه‌های کلیدی: معامله فضولی، جبران خسارت، قاعده غرور، اصل جبران کامل خسارت.

۱. مقدمه

حفظ استحکام عقود و معاملات و جلوگیری از تزلزل آن‌ها، یکی از اهداف مهم قانون‌گذار در تدوین قوانین حقوق قراردادها به شمار می‌رود. قانون‌گذار با تکیه بر اصول حقوقی و مبانی فقهی، کوشیده است تا حتی‌الامکان از بطلان قراردادها جلوگیری و در صورت نقض تعهدات قراردادی، ضمانت اجرای مناسبی را برای آن پیش‌بینی نماید؛ وضع اصول و قواعدی همانند اصل صحت (ماده ۲۲۳ قانون مدنی)، الزام متعهد به ایفای تعهدات قراردادی (مواد ۲۲۰ و ۲۳۷ قانون مدنی)، ضمان درک (ماده ۳۹۰ قانون مدنی) و پیش‌بینی مسئولیت مدنی ناشی از نقض قرارداد (ماده ۲۲۱ قانون مدنی)، از جمله راهکارهایی است که به منظور جلوگیری از تزلزل قراردادها در نظام حقوقی ایران، اتخاذ شده است.

علیرغم پذیرش و اعمال اصل صحت در حوزه حقوق قراردادها، مواردی رخ می‌دهد که به دلیل فقدان شرایط اساسی صحت معامله که قانون‌گذار به جهت ارتباط با نظم عمومی رعایت آن را در هر معامله ضروری دانسته، معامله‌ای محکوم به بطلان می‌گردد. در چنین مواردی نیز قانون‌گذار باید مقرراتی را وضع نماید تا علاوه بر اعاده موضوع قرارداد به حالت سابق که نتیجه بطلان عقد است، هر یک از طرفین بتواند به طرف دیگر که بطلان قرارداد مستند به اوست رجوع نموده و خسارات ناشی از بطلان قرارداد را از وی مطالبه نماید. یکی از مهم‌ترین و شایع‌ترین مصادیق بطلان قرارداد، بیع فضولی است که مالک آن را تنفیذ ننماید. در چنین مواردی، خریداری که نسبت به بطلان معامله آگاهی نداشته، به ناگاه خود را در برابر عدم اجرای تعهدات قراردادی فروشنده می‌بیند و با عنایت به بطلان

مبانی و چگونگی جبران خسارات وارده به خریدار در معامله فضولی با مطالعه... ۲۴۷

قرارداد، از هیچ‌گونه ضمانت اجرای قراردادی نیز در مقابل فروشنده برخوردار نیست و نمی‌تواند او را به ایفای تعهد الزام نماید؛ چه اینکه بیع فاسد هیچ‌گونه اثری در تملک ندارد (ماده ۳۶۵ قانون مدنی) و در نتیجه نه تنها فروشنده الزامی به اجرای تعهدات قراردادی خود ندارد، بلکه اگر تعهد را هم اجرا نموده باشد، باید وضعیت به حالت قبل از عقد، اعاده گردد.

بر همین اساس، با رد بیع فضولی از سوی مالک، بیع باطل خواهد شد و مآلاً خریدار حق دارد، ثمن پرداختی را مسترد نماید که اثر مستقیم بطلان بیع است و علم و جهل خریدار نیز تأثیری در این حکم ندارد. لیکن در عمده موارد و به ویژه هنگامی که بین زمان وقوع عقد و زمان کشف مستحق للغير بودن مبیع و بطلان بیع، فاصله زمانی زیادی باشد، خریدار بیع فضولی، متحمل زیان‌های دیگری نیز می‌شود، به گونه‌ای که استرداد ثمن به تنهایی نمی‌تواند رضایت وی را تأمین نماید. لذا در صورتی که خریدار نسبت به موضوع جاهل باشد، حق دارد خسارات وارده به خود را مطالبه نماید که همین حکم، مبنای وضع ماده ۲۶۳ قانون مدنی قرار گرفته و مشابه آن نیز در ماده ۳۹۱ قانون مدنی نیز تکرار شده است.

البته باید توجه نمود که هر چند قانون‌گذار بر اصل جبران خسارت خریدار تأکید نموده، لیکن کاربرد کلمه «غرامات» که در قانون مدنی صرفاً در همین دو ماده به کار رفته، ابهاماتی را ایجاد نموده است؛ به گونه‌ای که دامنه شمول این مفهوم از دیرباز، مورد اختلاف حقوقدانان و نیز فقها بوده و رویه قضایی نیز در این خصوص متشتت عمل نموده است؛ به گونه‌ای که در سال ۱۳۹۳ در پی اختلاف نظر برخی محاکم در برداشت از این مفهوم، هیئت عمومی دیوان عالی کشور، رأی وحدت رویه‌ای در این خصوص صادر نمود که تحولی در رویه قضایی کشور به شمار می‌آید که البته در جای خود قابل توجه و تأمل است. علیرغم صدور این رأی وحدت رویه، همچنان پاره‌ای ابهامات در خصوص مبانی و قلمروی این ماده باقی است، مضافاً اینکه این سؤال جدی وجود دارد که آیا رأی مزبور با مبانی

فقهی یا حقوقی قابل توجیه است؟ و آیا تفسیر دیوان عالی کشور می‌تواند خسارت خریدار را به صورت کامل جبران نماید؟ به منظور پاسخ‌گویی به این سؤالات، در این مقاله و در چهار بخش به بررسی موضوع خواهیم پرداخت. در ابتدا به اختصار مفهوم بیع فضولی و وضعیت حقوقی آن بررسی خواهد شد؛ در ادامه نیز مبانی مطالبه خسارات وارده به خریدار و نیز شیوه محاسبه و جبران خسارات وارده به وی، با توجه به رأی وحدت رویه دیوان عالی کشور بررسی می‌گردد. در نهایت نیز این موضوع، در حقوق انگلستان بررسی شده و نتیجه‌گیری از بحث ارائه می‌گردد.

۲. مفهوم معامله فضولی و وضعیت حقوقی آن

به منظور بررسی خسارات وارده به خریدار و همچنین مشخص نمودن قلمروی بحث، در ابتدا ضروری است که مفهوم معامله فضولی و وضعیت حقوقی آن مورد بررسی قرار گیرد؛ چه اینکه خریدار معامله فضولی در صورتی متحمل زیان می‌گردد که معامله باطل و مالکیت وی ملغی شده باشد. از این رو در ادامه پس از تعریف معامله فضولی، وضعیت حقوقی این معامله در حقوق ایران بررسی و در نهایت قلمروی بحث تبیین می‌گردد.

۲.۱. تعریف معامله فضولی

فضول در لغت به معنای کسی است که کار بیهوده می‌کند یا آنکه بی‌جهت در کار دیگران مداخله می‌کند. (معین، ۱۳۸۲: ۱۸۰۲-۱۸۰۱) در اصطلاح حقوقی نیز فضول به شخصی گفته می‌شود که با وجود نافذ نبودن تصرفاتش نسبت به مال غیر یا بر ذمه غیر یا مالی که متعلق حق غیر است، بدون اذن یا سمت اقدام به معامله می‌کند. (محقق داماد و همکاران، ۱۳۸۹: ۳۰۷) یکی از شرایط متعاقدين که از جمله شروط لازم برای صحت و نفوذ عقود تملیکی از جمله بیع است، آن است که هر یک از طرفین در زمان عقد، باید مالک مالی باشد که به دیگری انتقال می‌دهد؛ ماده

مبانی و چگونگی جبران خسارات وارده به خریدار در معامله فضولی با مطالعه... ۲۴۹

۲۴۷ قانون مدنی در این زمینه مقرر می‌دارد: «معامله به مال غیر جز به عنوان ولایت یا وصایت یا وکالت نافذ نیست، ولو اینکه صاحب مال باطناً راضی باشد؛ ولی اگر مالک یا قائم‌مقام او پس از وقوع معامله آن را اجازه نمود، در این صورت معامله صحیح و نافذ می‌شود.»

معامله فضولی از جهت قصد فضول در انجام معامله برای خود یا مالک، اقسامی پیدا می‌کند؛ ممکن است، فروشنده فضولی، مال غیر را به عنوان مال غیر و یا به عنوان مال خود به فروش رساند؛ که در حالت اخیر ممکن است به نسبت عدم مالکیت خود، عالم و یا جاهل باشد. هر چند که در برخی اقوال، بین احکام فروض یاد شده، تفاوت‌هایی دیده می‌شود، لیکن به اعتقاد حقوقدانان، همه این موارد را می‌توان در تعریف معامله فضولی جای داد؛ بر این اساس می‌توان گفت «معامله فضولی، معامله‌ای است که نسبت به مال غیر بدون اذن مالک یا نمایندگی قانونی یا قراردادی از سوی او، از کسی که اهلیت قانونی داشته باشد، خواه عالم‌اً عامداً، خواه با جهل به واقع، برای خودش یا برای مالک صادر گردد.» (طاهری، بی‌تا: ۱۱۵-۱۱۶) البته به نظر می‌رسد که بهتر است، فرض نخست یعنی جایی که فضول برای مالک معامله می‌کند را «وکالت فضولی» دانست، نه «بیع فضولی»، هر چند که در نتیجه تفاوتی دیده نمی‌شود.

۲.۲. وضعیت معامله فضولی در حقوق ایران

هر چند در فرضی که عمل فضول مفید و بر اساس حسن نیت باشد، برخی دیدگاه صحت عقد فضولی را نیز مطرح نموده‌اند، (بهرامی و بهرامی، ۱۳۹۰: ۴۴-۴۳) لیکن قاعده «الناس مسلطون علی اموالهم» و اصل استقلال و آزادی افراد ایجاب می‌کند که اراده آنها تنها درباره خودشان و در قلمرو سلطنت و مالکیتشان مؤثر و نافذ باشد، لذا نمی‌توان معامله فضولی را صحیح دانست.

در فرضی که فضول برای مالک معامله می‌کند، می‌توان گفت که با توجه به

فقدان عنصر سوءنیت، کار وی به احسان تعبیر شده و می‌توان اقدام او را به وکیلی مانند کرد که برای حفظ حقوق موکل از حدود اختیاراتش تجاوز کرده است که با تنفیذ مالک در شمار وکیلانی در می‌آید که برای موکل اقدام کرده‌اند. (محقق داماد و همکاران، ۱۳۸۹، ج ۲: ۳۰۸؛ بهرامی، ۱۳۷۹: ۲۵) برخی فقیهان در این مورد قائل به تفکیک شده و میان فرضی که مالک قبل از انجام معامله، فضول را صریحاً یا ضمناً از انجام معامله منع می‌کند و فرضی که نهی و منعی از جانب مالک وجود ندارد، تفاوت قائل می‌شوند. از کلام برخی فقیهان (حلی، ۱۳۸۷: ۴۱۷؛ حلی، بی‌تا(ب): ۵۸۸؛ عاملی، ۱۴۱۴: ۶۹) چنین بر می‌آید که در صورت تقدم منع مالک، بیع فضولی محکوم به بطلان است. برخی فقها نیز این قول را مطرح نموده و معتقدند استمرار منع موجود به بعد از عقد، ولو آن‌ا ما، جهت رد از سوی مالک کفایت می‌کند؛ ولی در نهایت ایشان نیز با توجه اطلاق روایات، همانند مشهور فقها، قول به عدم نفوذ را اقوی دانسته‌اند. (انصاری، ۱۴۲۰: ۳۷۴)

در فرضی که فضول مال غیر را برای خود می‌فروشد، از آنجا که در این فرض، فضول برای مالک و به قصد احسان به او معامله نمی‌کند و همچنین دشوار بودن پذیرش اینکه اجازه مالک باعث تبدیل معامله بین فضول و خریدار به رابطه بین مالک و خریدار گردد، امری که با قصد فضول منافات دارد، گروهی از فقیهان صریحاً قائل به بطلان این معامله شده‌اند. (آل بحر العلوم، ۱۳۶۲: ۲۸) لیکن اکثریت فقهای امامیه معامله فضولی را در تمام اقسام آن غیر نافذ می‌دانند (حلی، بی‌تا(الف): ۴۸۶؛ موسوی خوئی، ۱۳۷۷: ۱۰۵-۱۰۴؛ انصاری، ۱۴۲۰: ۳۷۶) که اطلاق ماده ۲۴۷ قانون مدنی نیز حکایت از پذیرش همین دیدگاه دارد.

به اعتقاد برخی، معامله فضولی تمام ارکان یک عقد نافذ را داراست، به جز رضای مالک که هرگاه ضمیمه آن شود، تمام عناصر عقد تکمیل شده، سبب نفوذ عمل حقوقی می‌گردد و مالک و خریدار را ملتزم به اجرای مفاد عقد می‌کند. (صادقی مقدم و شکوهی زاده، ۱۳۹۰: ۳۸-۳۷؛ اباذری فومشی، ۱۳۹۳: ۱۵-۱۴)

مبانی و چگونگی جبران خسارات وارده به خریدار در معامله فضولی با مطالعه... ۲۵۱

برخی دیگر در تحلیل این نوع معامله به نظریه نمایندگی تمسک می‌جویند و معتقدند مالک با اعطای صلاحیت لازم به فضول، او را نایب و نماینده خود در انعقاد معامله‌ای قرار می‌دهد که اثر آن در دارایی مالک ظاهر می‌شود و باعث می‌شود عقد به مالک منسوب گردیده و فضول قائم‌مقام او تلقی شود. (ره پیک، ۱۳۸۷: ۱۷۰؛ قاسم‌زاده، ۱۳۸۳: ۱۰۸) برخی دیگر نیز بر اساس نظریه «نمایندگی بعدی» آن را تحلیل نموده‌اند. (امیری قائم‌مقامی، ۱۳۷۸: ۱۰۹) از برخی تعابیر فقیهان از جمله میرزای نایینی و صاحب جواهر که معامله فضولی را ناظر بر موردی می‌دانند که موضوع قابل نیابت باشد، این‌گونه استنباط می‌شود که نظریه نمایندگی ناشی از تنفیذ، در فقه اسلامی نیز نشانه‌هایی داشته و مورد پذیرش قرار گرفته است. (صفایی و همکاران، ۱۳۸۰: ۹۴) در نهایت می‌توان گفت که بنابر قول مشهور فقهای امامیه و قواعد پذیرفته‌شده در حقوق ایران، حکم معامله فضولی در تمام اقسام آن، عدم نفوذ است، هر چند که در خصوص مبنای آن، توجهات مختلفی مطرح شده است.

۲.۳. تبیین قلمروی بحث

از آنچه بیان شد، مشخص می‌گردد که معامله فضولی ممکن است غیرنافذ و یا تحت شرایطی، همانند آنچه در حقوق انگلستان پیش‌بینی شده، صحیح باشد. در صورتی که معامله فضولی را از اصل صحیح بدانیم و یا در صورتی که این معامله غیرنافذ باشد و مالک آن را اجازه نماید، قاعدتاً زیانی به خریدار وارد نخواهد شد؛ چه اینکه در این صورت، معامله صحیح بوده و مبیع به ملکیت خریدار در خواهد آمد و اگر در نتیجه معامله نیز خسارتی به خریدار وارد آید، چون خریدار خود، اقدام به معامله نموده، جبران خسارتی در میان نخواهد بود و یا مشمول ضمانت اجرای قراردادی، همانند احکام اختیارات خواهد بود.

لیکن در صورتی که قائل به عدم نفوذ معامله باشیم و مالک نیز معامله را رد نماید، دو فرض قابل تصور است؛ هرگاه خریدار عالم به فضولی بودن و عدم

اختیار فروشنده باشد، با رد معامله تنها حق دارد ثمنی را که به فضول داده، مسترد نماید؛ زیرا هدف خریدار از پرداخت ثمن، تملک بایع (مبیع) بوده و حال که چنین امری میسر نشده، فروشنده فضولی نمی‌تواند از معامله فاسدی که انجام داده، «بلا جهت» بهره‌مند گردد. بنابر قول مشهور حتی اگر عین ثمن از بین رفته باشد نیز، فضول در مقابل خریدار ضامن مثل یا قیمت است و چنانچه مشتری ثمن را هنوز تأدیه نکرده باشد، می‌تواند از پرداخت آن امتناع نماید. (حلی، ۱۴۰۸: ۸؛ نجفی، ۱۳۷۴: ۳۰۵؛ موسوی خمینی، ۱۳۶۸: ۳۷۹؛ بهرامی احمدی، ۱۳۸۶: ۲۲۲-۲۲۱) ولی در خصوص خساراتی که ممکن است به خریدار وارد شده باشد، از آنجا که خریدار عالم به معامله فضولی، به ضرر خود اقدام نموده است، بر اساس قاعده اقدام، حق مطالبه خسارات وارده به خود را ندارد (محقق داماد، ۱۳۸۳: ۲۲۳-۲۲۱). لیکن در فرض جهل خریدار به فضولی بودن معامله، قول به جبران خسارت قابل پذیرش است. فرضی که در ماده ۲۶۳ قانون مدنی، چنین پیش‌بینی شده است: «هرگاه مالک معامله را اجازه نکند و مشتری هم بر فضولی بودن آن جاهل باشد، حق دارد که برای ثمن و کلیه غرامات به بایع فضولی رجوع کند و در صورت عالم بودن فقط حق رجوع برای ثمن را خواهد داشت.» بنابراین فرضی که در این مقاله مورد بررسی قرار خواهد گرفت و قلمروی بحث بر اساس آن تعیین می‌گردد، فرضی است که معامله فضولی در نتیجه رد مالک باطل گردد و خریدار نیز نسبت به فضولی بودن معامله، جاهل باشد.

۳. مبانی مطالبه خسارات خریدار معامله فضولی

به منظور بررسی نحوه جبران خسارت وارده به خریدار در معامله فضولی، بایستی مبانی جبران این خسارت مورد مطالعه قرار گیرد. استناد به قواعد فقهی همانند قاعده لاضرر و یا قاعده غرور و نیز توجه به بازگشت زیان دیده به فرض اجرای کامل قرارداد، از جمله مبانی است که در جبران خسارت خریدار می‌توان به

مبانی و چگونگی جبران خسارات وارده به خریدار در معامله فضولی با مطالعه... ۲۵۳
آن استناد جست.

۳.۱. قاعده لاضرر

یکی از مبانی فقهی که برای رجوع خریدار جاهل به فروشنده فضولی قابل تصور است، استفاده از «قاعده لاضرر» است. (انصاری، ۱۴۲۰، ج ۳: ۴۹۴ و ۴۹۹) قاعده لاضرر یکی از قواعد فقهی مسلم و متخذ از روایت مشهور «لاضرر و لاضرار» (حر عاملی، ۱۴۱۴: ۴۲۹-۴۲۸) است که برخی از فقها آن را در حد تواتر دانسته‌اند. (آخوند خراسانی، بی تا: ۳۸۱) در خصوص معنای لاضرر، دیدگاه‌های مختلفی در میان فقها مطرح شده است. (بهرامی احمدی، ۱۳۷۷: ۲۹۳؛ محقق داماد، ۱۳۸۳: ۱۴۷) بنابر نظر مشهور «مقصود از لاضرر در این روایت، نفی حکم شرعی است که از آن بر بندگان ضرری وارد آید، به این معنی که در اسلام حکم ضرری جعل نشده است.» (انصاری، ۱۴۱۴: ۱۱۴)

مشهور فقها عقیده دارند مقتضای قاعده لاضرر، حکومت بر احکام وجودی اعم از تکلیفی و وضعی است و نتیجه حکومت لاضرر بر این احکام، رفع این نوع احکام ضرری است. ولی در حکومت لاضرر بر احکام عدمی، جای اشکال است، بلکه دلیلی بر آن نیست؛ بنابراین، در صورتی که عدم حکمی مستلزم ورود ضرر به شخصی باشد، نفی این حکم به واسطه لاضرر ممکن نیست، یعنی نمی‌توان به وسیله لاضرر اثبات حکم نمود. (میرزای نائینی، ۱۴۱۸: ۴۱۸) به عقیده این دسته از فقها، لاضرر تنها جنبه نفی‌کننده دارد و در جایی که سایر قواعد موجب ضمان مثل اتلاف و تسبیب و ... جاری نباشد، نمی‌توان به کمک لاضرر، حکم به مسئولیت عامل زیان داد؛ ایشان حتی تا آنجا پیش رفته‌اند که چنین برداشتی از لاضرر را مستلزم تأسیس فقه جدیدی دانسته‌اند. (میرزای نائینی، ۱۴۱۸: ۴۲۰؛ خوانساری، ۱۴۰۵: ۱۹۲) برخی دیگر از فقها نیز عقیده دارند، اگرچه از این قاعده نفی حکم ضرری استنباط می‌شود، ولی نمی‌توان به کمک این قاعده، مسئولیت عامل زیان به

جبران خسارت را نیز اثبات نمود. به عقیده ایشان، از لاضرر حداکثر حکم به جبران خسارت به صورت کلی استنباط می‌شود که ملازمتی با جبران خسارت توسط عامل زیان ندارد. (نراقی، ۱۴۰۸: ۲۰) برخی دیگر از فقها، با این استدلال که هر جا حکم به عدم جبران خسارت مستلزم ورود ضرر به شخصی باشد، به واسطه لاضرر برداشته و حکم به جبران خسارت وضع می‌گردد، لاضرر را شامل احکام عدمی نیز دانسته‌اند. (طباطبایی، ۱۴۲۰: ۲۲۹ و ۳۳۴)

در میان حقوقدانان نیز برخی اساتید عقیده دارند، این قاعده دلالت بر ضمان نیز دارد. به اعتقاد ایشان، این نظر مخالف شرع نیست، بلکه همسو با آن است، زیرا محدود ساختن قلمرو اجرای قاعده لاضرر به نفی احکام، از نقش اجتماعی آن در اجرای عدالت به شدت می‌کاهد و نهادی را که می‌تواند پایه اصلی هم‌زیستی در اجتماع و جمع منافع و آزادی‌ها باشد، در حصاری از احتیاط و سنت‌گرایی زندانی می‌کند. (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۱۴۷) در مقام داوری بین دو دیدگاه، نظر قائلان به اثبات حکم به جبران خسارت توسط لاضرر را باید تقویت نمود؛ چه اینکه اولاً: محیط تشریح و قانون‌گذاری به جمیع شئون، محیط حکومت شرع مقدس است و همان‌طور که جعل قانون ممکن است برای فرد یا جامعه زیان داشته باشد، سکوت و عدم جعل نیز می‌تواند، زیان و خسران به بار آورد، (محقق داماد، ۱۳۸۳: ۱۶۰) که به حکم لاضرر، این ضرر باید مرتفع گردد. ثانیاً: اگر لاضرر را به معنای نهی از ضرر بدانیم، مفاد روایت دلالت بر حرمت ورود ضرر دارد و در نتیجه بقاء ضرر نیز حرمت شرعی دارد که از آن، وجوب جبران خسارت استنباط می‌شود. (حسینی المرآعی، ۱۴۱۷: ۳۱۹) ثالثاً: از سوی دیگر امر عدمی را می‌توان به امر وجودی برگرداند؛ زیرا عدم ضمان، عبارت اخرای براءت ذمه است و براءت ذمه امر وجودی است که بی‌تردید می‌تواند مشمول لاضرر قرار بگیرد و توسط آن برداشته شود. (محقق داماد، ۱۳۸۳: ۱۶۱) رابعاً: در قاعده لاضرر، اگر نه فقط به نصوص لفظی، بلکه به بنای عقلا تمسک شود، بی‌تردید عقلاء عامل زیان را مسئول جبران خسارت

مبانی و چگونگی جبران خسارات وارده به خریدار در معامله فضولی با مطالعه... ۲۵۵

می‌دانند. (محقق داماد، ۱۳۸۳: ۱۶۱) زیرا وقتی به حکم عقل، ورود ضرر به دیگران قبیح است، در صورتی که این ضرر قابل جبران باشد، عقل ایجاب می‌کند که عامل زیان را ملزم به جبران خسارت بدانیم. (حسینی المرآعی، ۱۴۱۷: ۳۱۸) مضافاً اینکه برخی حقوقدانان معتقدند، توجه در روایاتی که به عنوان مستندات قاعده لاضرر ذکر شده، از جمله روایات سمره بن جندب، شفعه، منع فضل ماء، دعائم الاسلام و ... نشان می‌دهد که در بسیاری از این روایات قاعده لاضرر، اثبات حکم کرده است. (بهرامی احمدی، ۱۳۸۸(الف): ۱۹-۲۲)

علیرغم پذیرش این دیدگاه که از قاعده لاضرر حکم به جبران خسارت نیز قابل استنباط است، لیکن همچنان به نظر می‌رسد که در استناد به قاعده لاضرر برای جبران خسارت خریدار معامله فضولی، ایراداتی وجود داشته باشد:

نخست اینکه بر اساس استدلال‌های ذکر شده، قاعده لاضرر زمانی اثبات حکم می‌نماید که به استناد سایر قواعد فقهی و حقوقی، مبنایی برای جبران خسارت یافت نشود و از نبود حکم، ضرری به بار آید که در این صورت می‌توان از قاعده لاضرر، لزوم جبران خسارت را استنباط نمود؛ بنابراین با وجود مبانی و قواعد دیگری که جبران خسارت خریدار را توجیه می‌نماید، استناد به قاعده لاضرر برای جبران خسارت وجهی ندارد.

دوم اینکه در اصل جبران خسارت خریدار معامله فضولی، تردیدی وجود ندارد؛ آنچه محل اختلاف است، میزان و نحوه جبران خسارت اوست. حال آنکه قاعده لاضرر، در بهترین حالت، به صورت کلی لزوم جبران خسارت را ثابت می‌نماید و حکمی در باب میزان خسارات وارده ندارد.

در مجموع و با عنایت به مطالبی که در ادامه بیان می‌گردد، چنین به نظر می‌رسد که در اثبات ضمان بایع فضولی در مقابل خریدار، نیازی به استناد به قاعده لاضرر نیست، لیکن چنان که برخی اساتید نیز بیان داشته‌اند، در هر مورد که سخن از ضمان فهری به میان می‌آید، هر چند که «لاضرر» به عنوان مدرک اصلی ضمان

مورد استفاده قرار نگیرد، ولی پایه و اساس جبران خسارت را تشکیل می‌دهد. (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ج ۱: ۱۵۱)

۳.۲. قاعده غرور

بنابر قاعده غرور، هرگاه از شخصی عملی صادر گردد که باعث فریب خوردن شخص دیگر بشود و از این رهگذر او به دیگری و یا خود ضرری وارد نماید، (بهرامی احمدی، ۱۳۸۸(ب): ۱۸۳) شخص نخست به موجب این قاعده ضامن است و باید از عهده خسارت وارد برآید. شخص اول را «غار» (فریب دهنده) و شخص دوم را «مغرور» (فریب خورده) و این قاعده را «قاعده غرور» می‌گویند. (محقق داماد، ۱۳۸۳: ۱۶۳) این قاعده از روایت مشهور نبوی اتخاذ شده است که «المغرور یرجع الی من غره»!

یکی از مهم‌ترین مصادیق اعمال قاعده غرور، صدور حکم به جبران خسارت وارده به خریدار جاهل در معامله فضولی است. (انصاری، ۱۴۲۰: ۴۹۴؛ محقق داماد، ۱۳۸۳: ۱۷۲؛ صفایی و رحیمی، ۱۳۸۹: ۴۲) وجود برخی ویژگی‌ها در مفاد قاعده غرور سبب می‌شود که قاعده غرور یکی از مهم‌ترین و بهترین مبانی باشد که می‌توان در اثبات جبران خسارت خریدار معامله فضولی به آن استناد جست. از جمله اینکه:

اولاً: در قاعده غرور قصد خدعه و نیرنگ شرط نیست؛ در بیان مدلول این قاعده گفته نشده «هر کس دیگری را گول بزند»، بلکه گفته شده «اگر از شخصی عملی صادر گردد که آن عمل موجب فریب خوردن دیگری بشود». بنابراین، لازم نیست که شخص غار قصد نیرنگ و خدعه داشته باشد و حتی ممکن است خودش

۱. البته این روایت از نظر سندی ضعیف است و حتی برخی این عبارت را به عنوان روایت قبول ندارند. لیکن با توجه به عمل بسیاری از فقها به این روایت و به دلیل شهرت عملی آن در میان فقها، ضعف سندی آن جبران می‌شود. (طباطبایی یزدی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۱۷۹)

مبانی و چگونگی جبران خسارات وارده به خریدار در معامله فضولی با مطالعه... ۲۵۷

هم از دیگری فریب خورده باشد؛ بلکه همین مقدار که از او فعلی صادر شود که دیگری با توجه به آن فریب بخورد، برای صدق غرور کافی است. (محقق داماد، ۱۳۸۳: ۱۶۳-۱۶۴؛ بهرامی احمدی، ۱۳۸۸(ب): ۱۸۴) در نتیجه علم و جهل غار در این قاعده تأثیری ندارد. ممکن است اشکال شود که در کلمه «غار» که اسم فاعل و به معنای فریب دهنده است، قصد و عمد مستتر است؛ ولی در پاسخ گفته شده است که در صدق عناوین افعال، عمد و قصد شرط نیست. (طباطبایی یزدی، ۱۳۷۸: ۱۷۹؛ محقق داماد، ۱۳۸۳: ۱۷۰)

ثانیاً: قاعده غرور در صورتی اعمال می‌شود که مغرور جاهل باشد و علم و جهل غار نیز تأثیری در اعمال قاعده ندارد؛ این مورد، دقیقاً همان موردی است که موضوع بحث ما در این مقاله قرار دارد؛ همان‌گونه که در ابتدا بیان شد، موردی که خریدار عالم به فضولی بودن معامله باشد، از شمول جبران خسارت خارج است. ثالثاً: بنابر نظر فقها قاعده غرور دامنه گسترده‌ای از انواع خسارات را در بر می‌گیرد و از این جهت اعم از اتلاف و تسبیب است. (محقق داماد، ۱۳۸۳: ۱۶۴)

با توجه به این ویژگی‌ها به نظر می‌رسد که قاعده غرور به خوبی می‌تواند لزوم جبران خسارت وارده به خریدار بیع فضولی را توجیه نماید. چه اینکه مطابق این قاعده، اگر خریدار، جاهل بر فضولی بودن معامله باشد و مالک به او رجوع کند، مغرور و متضرر محسوب می‌شود و طبق قاعده «المغرور یرجع إلی من غره» می‌تواند علاوه بر اصل ثمن، کلیه خسارات وارده بر خود را از معامل فضولی مطالبه کند؛ زیرا با رد معامله فضولی توسط مالک و بطلان بیع، فضول مستحق دریافت ثمن نبوده و باید ثمن را مسترد نماید؛ خسارات وارده به خریدار نیز نتیجه فریب خوردن وی در اثر اقدام بایع فضولی بوده است و باید جبران شود. از سوی دیگر، به اعتقاد فقها و حقوقدانان، چنانچه مالک به معامل فضولی رجوع کند و از او خساراتی بگیرد، مطابق ماده ۳۲۵ قانون مدنی، زیان دیده یعنی بایع فضولی حق رجوع به خریدار را ندارد. (بهرامی احمدی، ۱۳۸۶: ۲۲۲-۲۲۱؛ مقصودی، ۱۳۹۱:

۱۷۴-۱۷۵؛ انصاری، ۱۳۹۲: ۲۹۳) مفهوم این گفته این است که مسئولیت نهایی جبران خسارت در بیع فضولی بر عهده بایع فضولی است و در نتیجه اگر خسارتی به خریدار وارد شود، او حق دارد برای مطالبه خسارت وارد شده به خود به مسئول نهایی یعنی بایع رجوع نماید.

۳.۳. بازگشت زیان دیده به فرض اجرای کامل قرارداد

به طور کلی به منظور تحقق «اصل جبران کامل خسارت»^۲ در مسئولیت قراردادی و خارج از قرارداد دو دیدگاه مطرح شده است؛ برخی عقیده دارند که جبران خسارت باید به گونه‌ای صورت پذیرد که «وضعیت زیان دیده به قبل از وقوع زیان» بازگردد، به نحوی که گوئی اساساً زیانی رخ نداده است. به همین سبب گفته شده است که جبران خسارت در مسئولیت قهری، باید به گونه‌ای باشد که خواهان را در وضعیت «پیش از خطا»^۳ قرار دهد. (صفری و پاک‌طینت، ۱۳۸۹: ۲۶۱) همین دیدگاه در خصوص مسئولیت قراردادی نیز مطرح شده است. به اعتقاد برخی حقوقدانان، برگرداندن وضعیت متعهدله به حالت پیش از عقد، از جانب متعهدی که از اجرای تعهد خویش امتناع ورزیده، بهترین راه حل برای دسترسی به اهداف مورد نظر برای مسئولیت مدنی است. (قربانیان، ۱۳۸۹: ۳۳۹) نتیجه این دیدگاه در خصوص جبران خسارات خریدار معامله فضولی، آن است که صرفاً خسارات و هزینه‌هایی که خریدار در نتیجه بطلان معامله متحمل شده است، بایستی جبران گردد.

در مقابل، به ویژه در مسئولیت قراردادی، برخی بر این عقیده‌اند که زمانی خسارت به صورت کامل جبران می‌گردد که «وضعیت زیان دیده در فرض اجرای قرارداد» مورد توجه قرار گیرد. در خصوص مسئولیت قراردادی این اصل کلی

^۲ Le principal de la réparation intégrale

^۳ Pre-tort

مبانی و چگونگی جبران خسارات وارده به خریدار در معامله فضولی با مطالعه... ۲۵۹

مورد تأکید قرار گرفته است که «هدف از جبران خسارت این است که محکوم له، در همان وضع مالی قرار گیرد که در صورت اجرای قرارداد به ترتیب مقرر توسط طرفین در موقع انعقاد، در آن وضعیت قرار می‌داشت.» (قربانیان، ۱۳۸۹: ۳۱۲) هدف از حقوق قراردادهای حمایت از «منافع مورد انتظار»^۴ است و به همین دلیل است که مسئولیت قراردادی در پی آن است تا خواهان را در موقعیتی قرار دهد که اگر قرارداد اجرا می‌شد، در آن موقعیت قرار داشت. (ایزانلو و پاک طینت، ۱۳۹۱: ۷۶) در حقوق کامن لا بر اساس «نظریه عوض»^۵ این موضوع مورد تأکید قرار گرفته است که شخصی که در قرارداد متعهد به فراهم کردن عوض قراردادی شده است، انتظار دارد تا منافع مورد انتظار او از اجرای قرارداد تأمین شود، در نتیجه هدف از پرداخت خسارت در مسئولیت قراردادی این است که متعهدله (زیان دیده) در وضعیتی قرار داده شود که اگر قرارداد به درستی اجرا می‌شد، او در آن وضعیت قرار می‌گرفت، در حالی که در مسئولیت خارج از قرارداد، جبران خسارت باید به نحوی باشد که زیان دیده را به وضعیت قبل از وقوع فعل زیان‌بار برگرداند. (Cooke, 2009:86؛ بادینی، ۱۳۹۰: ۶۱)

به اعتقاد ما نظریه حمایت از منافع مورد انتظار، اختصاصی به ماهیت «مسئولیت قراردادی» ندارد و می‌تواند در مسئولیت خارج از قرارداد نیز مورد استفاده قرار گیرد. چه اینکه از یکسو در هر دو نوع مسئولیت قهری و قراردادی، هدف از مسئولیت «جبران کامل خسارات» است؛ و از سوی دیگر، به اعتقاد بسیاری از حقوقدانان، مسئولیت قراردادی و خارج از قرارداد از حیث ماهیت و اصول حاکم بر جبران آن‌ها، تفاوت عمده‌ای با یکدیگر ندارند. (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۱۲۴-۱۲۳؛ بهرامی احمدی، ۱۳۸۸(ب): ۳۶؛ صفایی و رحیمی، ۱۳۸۹: ۹۴) به نظر می‌رسد که کاربرد معیار «قرار گرفتن زیان دیده در فرض اجرای قرارداد» مربوط به

^۴ Expectation interests

^۵ Doctrine of Consideration

جایی است که بر اساس جریان متعارف امور، زیان دیده انتظار داشته منافی را تحصیل نماید و به عبارتی مقتضای ایجاد این منافع فراهم شده، ولی با وقوع فعل زیان‌بار از این منافع محروم گردیده است؛ خواه این مسئولیت قراردادی باشد و خواه خارج از قرارداد. در حقیقت آنچه جبران این منافع را ایجاد می‌نماید، وجود قرارداد نیست، بلکه مسلم بودن منافی است که زیان دیده به واسطه اقدام عامل زیان، از آن محروم شده است.

اعمال این دیدگاه در خصوص جبران خسارات وارده بر خریدار معامله فضولی، این نتیجه را به دنبال خواهد داشت که برای محاسبه خسارت وارده به خریدار، باید فرض کرد که بایع اختیار لازم برای انجام معامله را داشته که در این صورت، خریدار اینک مالک مبیع بود؛ در حقیقت خریدار با انجام معامله این انتظار معقول را به دست آورده که در قبال پرداخت ثمن، مالک مبیع شود؛ ولی به دلیل تقصیر بایع فضولی و اقدام خارج از اختیار وی، معامله باطل شده است. در نتیجه بایع باید این انتظار معقول خریدار را پاسخ گوید، یعنی مثل یا قیمت روز مبیع را به عنوان خسارت به وی پرداخت نماید. در این صورت است که می‌توان گفت، خسارت خریدار به صورت کامل جبران شده است. در خصوص این ابهام که با رد معامله فضولی، بیع باطل می‌شود و رابطه طرفین را نمی‌توان بر اساس یک رابطه قراردادی تحلیل نمود، نیز می‌توان چنین پاسخ داد که مقصود از معیار بازگشت زیان دیده به فرض اجرای کامل قرارداد، تطبیق مسئولیت بایع فضولی با مسئولیت قراردادی نیست. چه اینکه قرارداد صحیحی در این خصوص وجود ندارد که بتوان به مسئولیت قراردادی استناد نمود. لیکن چنانکه بیان شد، می‌توان از این معیار در مسئولیت خارج از قرارداد نیز بهره جست و مسئولیت بایع را به عنوان مصداق از مسئولیت خارج از قرارداد، بر اساس آن تبیین نماییم. لذا با توجه به اینکه مسئولیت بایع را مسئولیت قهری می‌دانیم، بطلان قرارداد، مانعی در مسئولیت بایع فضولی به شمار نمی‌آید.

مبنای و چگونگی جبران خسارات وارده به خریدار در معامله فضولی با مطالعه... ۲۶۱

۴. شیوه محاسبه خسارات وارده به خریدار

قانون‌گذار در ماده ۲۶۳ قانون مدنی، اصل لزوم جبران خسارات وارده به خریدار آر مورد تأیید قرار داده و از آن تحت عنوان «گرامات» نام برده است؛ لیکن از قلمروی گرامات و نحوه محاسبه آن، سخنی به میان نیاورده است. هر چند که در خصوص جبران خساراتی که مستقیماً به خریدار وارد شده، اختلاف چندانی وجود ندارد، لیکن در قابلیت و چگونگی جبران سایر خسارات، بین حقوقدانان و فقها و نیز رویه قضایی، اختلاف نظرهایی دیده می‌شود. لذا ضروری است، شیوه‌های مختلفی که برای محاسبه خسارت پیشنهاد شده، مورد نقد و بررسی قرار گرفته و در نهایت، راهکاری منطقی، حقوقی و عادلانه انتخاب شود.

۴.۱. محاسبه خسارات مستقیم ناشی از بطلان معامله

تعیین خسارات وارده به خریدار بر مبنای محاسبه خسارات مستقیم ناشی از بطلان معامله و هزینه‌هایی که خریدار در برابر آن‌ها نفعی نبرده است، حداقل خسارتی است که به خریدار وارد شده است. در خصوص لزوم جبران این خسارات که فقها تحت عنوان «گرامت» از آن یاد نموده‌اند، اتفاق نظر وجود دارد. (انصاری، ۱۴۲۰: ۴۹۳) برخی فقها و حقوقدانان گرامت را شامل هزینه‌های انجام شده و عوض منافع و نمائات می‌دانند. (حلی، ۱۴۰۸: ۸؛ صفایی و رحیمی، ۱۳۸۹: ۴۳)

با توجه به اینکه این دسته از خسارات به صورت مستقیم به خریدار وارد می‌شود، برای مطالبه آن می‌توان به قواعدی همچون تسبیب و یا غرور استناد نمود. با وجود برخی اختلاف‌نظرها، (انصاری، ۱۴۲۰: ۱۹۵-۱۹۳؛ محقق داماد، ۱۳۸۳: ۱۷۲ و ۱۷۴؛ صفایی و رحیمی، ۱۳۸۹: ۴۳) به طور کلی می‌توان خسارات مستقیم ناشی از بطلان معامله فضولی را شامل موارد زیر دانست:

الف) پرداخت هزینه‌هایی که برای انجام معامله ضرورت دارد از قبیل هزینه تنظیم سند، حق دلالی، هزینه ایاب و ذهاب، هزینه حمل و نقل مبیع به محل و
 ب) تفاوت بین ثمن معامله و بدل در صورتی که مبیع نزد مشتری تلف شده و با رد معامله توسط مالک، وی ناچار شده است، بدل مبیع را با قیمت گزاف‌تر به مالک بدهد.

ج) پرداخت خسارت به مالک بابت منافع غیرمستوفات. در مورد منافع مستوفات باید گفت خریدار نمی‌تواند عوض آن را به عنوان غرامت از بایع بخواهد؛ زیرا وی از مال غیر مجاناً استفاده نموده و دریافت خسارت از این باب مصداق اکل مال به باطل و دارا شدن غیرعادلانه است. در این فرض میان علم و جهل خریدار نسبت به فضولی بودن عقد تفاوتی وجود ندارد (محقق داماد، ۱۳۸۳: ۱۷۴) در مورد منافع غیرمستوفات که خریدار عوض آن را به مالک پرداخته، باید گفت اگر وی نسبت به فضولی بودن معامله علم داشته است، چون با آگاهی از وضعیت معامله و احتمال قبول یا رد آن از سوی مالک، با فضول در این راه تبانی کرده، بنا به قاعده اقدام به ضرر خویش عمل کرده و کسی ضامن خسارات وارده بر او نخواهد بود؛ اما اگر از این امر اطلاع نداشته است، مستحق مطالبه خسارات وارده از فضول است. (انصاری، ۱۴۲۰: طاهری، بی تا، ۱۳۰-۱۲۹؛ مدنی، ۱۳۸۳: ۳۱۳؛ حائری شاه باغ، ۱۳۷۶: ۲۵۰-۲۵۱)

د) هزینه‌هایی که خریدار پس از انجام بیع در مبیع انجام داده است، همانند اینکه بنایی در زمین احداث نموده و یا درختانی در باغ کاشته و یا تعمیراتی در یک منزل مسکونی انجام داده است.

۴.۲. محاسبه کاهش ارزش ثمن پرداختی

علیرغم انتقادهای وارده از سوی حقوقدانان تا قبل از سال ۱۳۹۳ رویه غالب محاکم، صرفاً هزینه‌های مستقیم معامله را به عنوان خسارت قابل مطالبه از سوی

مبانی و چگونگی جبران خسارات وارده به خریدار در معامله فضولی با مطالعه... ۲۶۳

خریدار به شمار می‌آوردند؛ لیکن با بروز اختلاف بین شعب دادگاه‌های تجدیدنظر استان آذربایجان غربی، پرونده‌ای در هیئت عمومی دیوان عالی کشور مطرح گردید. در پرونده مورد اختلاف، شعبه سوم دادگاه تجدیدنظر استان آذربایجان غربی به این استدلال که «... غرامات شامل هزینه‌هایی است که مربوط به معامله می‌شود و از انجام معامله به خریدار وارد می‌شود و تورم موجود در جامعه که موجب افزایش قیمت می‌شود، نمی‌تواند داخل در غرامت تلقی گردد...» رأی دادگاه بدوی را نقض نمود. در مقابل شعبه یازدهم دادگاه تجدیدنظر همان استان، در پرونده مشابه رأی دادگاه بدوی مبنی بر بطلان بیع و پرداخت ثمن مورد معامله به نرخ روز را عیناً تأیید نموده است.

دادستان کل کشور نیز در نظریه خود چنین استدلال نمودند که مستفاد از مواد ۳۹۱ و ۳۹۲ قانون مدنی و فتاوی غالب مراجع عظام این است که خسارت وارده بر مشتری نباید بلاجبران بماند و حتی در صورت کسر قیمت ملک، بایع مکلف است، اصل ثمن را استرداد نماید؛ لذا حمل لفظ غرامات فقط بر هزینه‌های مشتری در ملک مورد معامله خلاف ظاهر و اطلاق آن است. در این نظریه آمده است که آنچه ملاک در جبران خسارت مشتری است کاهش قدرت خرید وی در اثر تورم و به عبارتی کاهش قیمت ثمن است، نه آنچه در نظریه اداره حقوقی با عبارت افزایش قیمت ملک آمده است و بر همین مبنا نظر شعبه یازدهم دادگاه تجدیدنظر را تأیید نمود. در نهایت پس از بحث و تبادل نظر، هیئت عمومی دیوان عالی کشور مبادرت به صدور رأی وحدت رویه شماره ۷۳۳ مورخ ۱۳۹۳/۰۷/۱۵ به شرح ذیل نمود:

«به موجب ماده ۳۶۵ قانون مدنی، بیع فاسد اثری در تملک ندارد، یعنی مبیع و ثمن کماکان در مالکیت بایع و مشتری باقی می‌ماند و حسب مواد ۳۹۰ و ۳۹۱ قانون مرقوم، اگر بعد از قبض ثمن، مبیع کلاً یا جزئاً مستحق للغير درآید، بایع ضامن است و باید ثمن را مسترد دارد و در صورت جهل مشتری به وجود فساد، از عهده غرامات وارد شده بر مشتری نیز برآید و چون ثمن در اختیار بایع بوده است،

در صورت کاهش ارزش ثمن و اثبات آن، با توجه به اطلاق عنوان غرامات در ماده ۳۹۱ قانون مدنی بایع قانوناً ملزم به جبران آن است؛ بنابراین دادنامه شماره ۳۶۰ مورخ ۱۳۸۹/۳/۳۱ شعبه یازدهم دادگاه تجدیدنظر استان آذربایجان غربی در حدی که با این نظر انطباق دارد، به اکثریت آراء صحیح و قانونی تشخیص می‌گردد. این رأی طبق ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها لازم‌الاتباع است.»

اگرچه رأی دیوان بخشی از خسارات وارده به خریدار را جبران می‌نماید و از این حیث قابل تقدیر است، لیکن به نظر می‌رسد که از جهت مبانی حقوقی، این شیوه محاسبه خسارت، با ایراداتی رو به روست؛ ماده ۳۹۱ قانون مدنی که از غرامات سخن می‌گوید، ناظر به جبران خسارات وارده به خریدار است که قاعداً در محاسبه آن، باید خسارات واقعی وارد به مشتری مد نظر قرار گیرد. در حقیقت، در رأی فوق‌الذکر بین دو موضوع خلط شده است؛ پرداخت ثمن از سوی بایع که نتیجه بطلان بیع است و خسارات وارد به مشتری که بر مبنای قواعدی چون غرور یا اصل جبران خسارت، باید پرداخت شود و پیوند دادن این دو به یکدیگر صحیح به نظر نمی‌رسد. مضافاً اینکه بر اساس اصول حقوقی، اگر محاسبه ارزش روز ثمن را نوعی خسارت تأخیر تأدیه به شمار آوریم، منوط به مطالبه دائن و تمکن مدیون است که در رأی دیوان عالی کشور، هیچ‌یک از این دو شرط رعایت نشده است. زمانی که خریدار (دائن) ثمن را مطالبه نموده و تمکن مدیون را نیز به اثبات نرسانده است، چگونه می‌تواند از بابت تأخیر در پرداخت ثمن، خسارت تأخیر تأدیه را طلب نماید؟

حتی در صورتی که مبنای رأی دیوان عالی کشور را جبران کاهش ارزش پول نیز در نظر بگیریم، باز هم ایراداتی بر این استدلال وارد است؛ نخست اینکه آنچه خریدار معامله فضولی از دست داده، مبیع است، نه ثمن؛ استرداد ثمن، ولو به نرخ

مبانی و چگونگی جبران خسارات وارده به خریدار در معامله فضولی با مطالعه... ۲۶۵

روز، نتیجه قهری بطلان بیع و اثر از بین رفتن رابطه قراردادی (ضمان درک) است و مسئولیت مدنی و جبران خسارت به حساب نمی‌آید و لزوماً هم نمی‌تواند همه خسارات وارده به خریدار را جبران نماید؛ چه اینکه ممکن است، افزایش قیمت مبیع بیش از نرخ تورم (کاهش ارزش ثمن) باشد. دوم اینکه جبران کاهش ارزش پول (بدون نیاز به مطالبه دائن) به صورت مطلق در نظام حقوقی ما مورد پذیرش قرار نگرفته و تسری آن به غیر از مورد تصریح قانون‌گذار (تبصره ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی در خصوص مهریه)، قابل پذیرش نیست. چه اینکه حتی در خصوص صدور حکم به پرداخت خسارت تأخیر تأدیه وجه چک از تاریخ سررسید نیز با وجود نص قانونی (استفساریه مورخ ۱۳۷۷/۹/۲۱ مجمع تشخیص مصلحت نظام در خصوص تبصره الحاقی به ماده ۲ قانون اصلاح موادی از قانون صدور چک مصوب ۱۳۷۶)، اختلاف نظر وجود دارد و بسیاری از محاکم، تاریخ اخذ گواهی عدم پرداخت (تاریخ مطالبه) را به عنوان مبدأ خسارت تأخیر تأدیه محسوب می‌نمایند. (فتاحی، ۱۳۹۵: ۱۲۸-۱۱۷)

۴.۳. محاسبه ارزش روز مبیع

شیوه دیگری که برای محاسبه خسارات وارده به خریدار قابل تصور است، محاسبه قیمت روز مبیع است. بنابر نظر مشهور فقها، خریدار نمی‌تواند تفاوت قیمت ثمن و ارزش روز مبیع را از بایع فضولی مطالبه نماید. لیکن به نظر می‌رسد که علیرغم مغایرت این دیدگاه با نظر مشهور، مبانی قابل دفاعی برای پذیرش آن وجود دارد. مبنای محاسبه ارزش روز مبیع، به عنوان خسارت قابل جبران به خریدار را می‌توان چنین توجیه نمود:

اولاً: خریدار با انجام معامله، مالک مبیع می‌شود و اگر بعداً معلوم شود که معامله‌ای، فضولی و غیرنافذ بوده و با رد مالک محکوم به بطلان شود، زیانی که به خریدار وارد می‌شود، از دست دادن مبیع است؛ به عبارت دیگر اقدام بایع فضولی

در انجام معامله بدون اذن و اختیار از سوی مالک، تقصیری است که سبب ورود زیان به خریدار می‌شود که این زیان از دست دادن مبیع است؛ بنابراین مطالبه خسارت بر مبنای ارزش روز مبیع، عدم النفع محسوب نمی‌شود که در مطالبه آن تردید وجود داشته باشد، بلکه تفویت منفعتی است که در نتیجه بیع برای خریدار حاصل شده و بر مبنای قاعده تسبیب قابل مطالبه است.

ثانیاً: حتی اگر مابه‌التفاوت ثمن و ارزش روز مبیع را به عنوان عدم النفع نیز در نظر بگیریم، این عدم النفع یک عدم النفع احتمالی نیست؛ زیرا خریدار با انجام معامله انتظار دارد، مالک مبیع شود و قاعدتاً منافع ناشی از افزایش ارزش مبیع را تملک نماید. انتظار منفعتی که از یک سو معقول، قانونی و مشروع است و از سوی دیگر جنبه احتمالی ندارد؛ چه اینکه خریدار اقدام به انجام معامله نموده است و مقتضای ایجاد این منفعت را برای خود فراهم آورده است. حال آنچه باعث می‌شود، خریدار از این منفعت مسلم و مشروع، محروم بماند، اقدام بایع در انجام معامله بدون اختیار است. از این رو کاملاً موجه خواهد بود که خریدار بتواند خساراتی را که در نتیجه از دست دادن این منفعت، به او وارد می‌شود، از بایع فضولی مطالبه نماید.

ثالثاً: اگر گفته شود، با رد مالک و بطلان بیع، رابطه قراردادی و استحقاق خریدار برای دریافت مبیع از بین می‌رود، پس چگونه می‌توان ارزش روز مبیع را به عنوان مبنای مطالبه خسارت در نظر گرفت، می‌توان چنین پاسخ داد که مبنای استحقاق خریدار برای دریافت ارزش روز مبیع، قرارداد یا رابطه قراردادی نیست که با بطلان آن، خدشه‌ای به این حق وارد آید. خریدار بر اساس مسئولیت مدنی و رابطه خارج از قرارداد استحقاق دریافت خسارت وارده به خود را می‌یابد؛ به عبارت دیگر، مبنای مطالبه و استحقاق خریدار، قرارداد بیع نیست، بلکه بطلان بیع به عنوان یک واقعه حقوقی، منشأ ایجاد مسئولیت برای بایع فضولی می‌گردد.

رابعاً: چنانکه پیش‌تر نیز بیان شد، قاعده غرور، اصل جبران کامل خسارت و

مبانی و چگونگی جبران خسارات وارده به خریدار در معامله فضولی با مطالعه... ۲۶۷

همچنین مبنای قرار دادن خریدار در وضعیت اجرای قرارداد به خوبی می‌تواند، مطالبه این خسارت را توجیه نماید. از سوی دیگر این شیوه محاسبه خسارت، به واقع نزدیک‌تر است و آنچه را که خریدار از دست داده است (مبیع)، به نحو شایسته‌تری جبران می‌نماید.

خامساً: یکی دیگر از مؤیداتی که در فقه مطرح شده و در اینجا قابل استناد است، این است که به اعتقاد فقها در بیع فضولی، اگر مبیع در دست خریدار تلف شود و مالک قیمت روز مبیع را از خریدار مطالبه نماید، خریدار می‌تواند علاوه بر ثمن، برای مطالبه مابه‌التفاوت ثمن و آنچه به عنوان مثل یا قیمت به مالک داده نیز به بایع فضولی رجوع نماید (انصاری، ۱۴۲۰: ۵۰۳؛ صفایی و رحیمی، ۱۳۸۹: ۴۳) و همه آنچه را به مالک پرداخته، از بایع فضولی طلب کند. به قیاس اولویت می‌توان گفت، در حالتی که مبیع تلف نشده و مالک عین مبیع را نیز از خریدار می‌گیرد، خریدار باید بتواند مثل یا قیمت مبیع را از بایع فضولی مطالبه نماید.

در مجموع به نظر می‌رسد که این شیوه مطالبه خسارت، علیرغم مغایرت با قول مشهور و رویه قضایی، هم با مبانی حقوقی سازگاری بیشتری دارد و هم خسارت خریدار را به نحو مطلوب‌تری جبران می‌نماید.

۵. مطالعه تطبیقی در حقوق انگلستان

معامله فضولی در حقوق انگلیس با توجه به شرایط و موقعیتی که بر آن بار می‌شود، احکام متفاوتی دارد؛ اما به طور کلی باید گفت مطابق ماده (۱) ۲۱ قانون فروش کالا مصوب ۱۹۷۹، اصل بر بطلان این‌گونه معاملات است. بدین معنا که عقد به دلیل فقدان یکی از شرایط اساسی صحت معاملات، فاقد هرگونه اثر حقوقی است و هیچ‌گونه انتقال مالکیتی در آن رخ نمی‌دهد. هم‌چنین مالک این اختیار را دارد که علیه فروشنده فضولی و خریدار بدون تقصیر، بر اساس مسئولیت ناشی از غصب اقامه دعوا نماید. (Balavar, 2014:7; Lai, 1994:439) لیکن استثنائاتی بر

این قاعده وارد شده است که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد. در پایان نیز رویکرد حقوق این کشور به جبران خسارت خریدار مورد مطالعه خواهد شد.

۵.۱. وضعیت معامله فضولی در حقوق انگلستان

در حقوق انگلستان فضول که تحت عنوان «فروشنده غیرمالک»^۱ از او یاد می‌شود، شخصی است که هیچ‌گونه حق یا اختیاری نسبت به کالا ندارد و بدون اذن، سمت یا رضایت مالک، کالا را به شخص ثالث منتقل می‌کند (, Atiyah et al., 2010: 368).

در این نظام حقوقی، معامله فضولی به عنوان یکی از مهم‌ترین مصادیق نمایندگی‌های بدون توافق، مشمول قاعده‌ای تحت عنوان *Nemo dat quod non habet* قرار می‌گیرد که در این زمینه دو اصل حکومت می‌نماید: اولین اصل که در ماده (۱) ۲۱ قانون فروش کالا مصوب ۱۹۷۹ مورد تأکید قرار گرفته، به عنوان یک قاعده کلی برای حفاظت از اموال چنین مقرر می‌دارد که «هر گاه کالا توسط شخصی فروخته شود که مالک آن نیست و آن را بر اساس اختیار یا رضایت مالک نمی‌فروشد، خریدار مالکیتی بهتر از آنچه فروشنده داشته، نسبت به کالا به دست نمی‌آورد؛ مگر اینکه مالک کالا به گونه‌ای رفتار کند که عدم صلاحیت فروشنده برای فروش آشکار نشود.»

دومین اصل برای حفاظت از معاملات تجاری مقرر شده و بر اساس آن، شخصی که کالایی را با حسن نیت و بدون آگاهی از عدم مالکیت فروشنده، مطابق بهای متعارف خریداری می‌کند، مستحق یک مالکیت قانونی است. لذا در مواردی که خریدار نسبت به عدم مالکیت فروشنده و فضولی بودن بیع، جاهل باشد، قانون میان تأیید و حمایت از حق مالک نسبت به اموالش از یک طرف و حمایت و حفظ

^۱ Sale by non-owner

مبانی و چگونگی جبران خسارات وارده به خریدار در معامله فضولی با مطالعه... ۲۶۹

منافع خریداری که کالاها را با حسن نیت به دست آورده، از سوی دیگر دچار تعارضاتی می‌شود. به همین دلیل بر قاعده Nemo dat استثنائاتی وارد شده است (Atiyah et al., 2010: 368) که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۵.۲. استثنائات وارد بر قاعده بطلان بیع فضولی

از جمله استثنائاتی که بر قاعده نمایندگی‌های بدون توافق وارد شده، می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱- قاعده استاپل: هرگاه مالک اصلی با گفتار یا رفتارش موجب شود، در شخص خریدار این باور اشتباه به وجود آید که فروشنده فضول در واقع حق فروش کالا را دارد، دیگر نمی‌تواند ادعای بطلان قرارداد را مطرح نماید (McKendrick, 2000: 108).

۲- مطابق ماده ۲ (۱) قانون نمایندگی ۱۸۸۹، یک نماینده تجاری که با رضایت مالک، متصرف کالاها یا اسناد مالکیت آنها است، حتی اگر فاقد اختیار برای فروش باشد، در صورتی که طبق رویه معمول داد و ستد یک نماینده بازرگانی عمل نماید و خریدار نیز دارای حسن نیت بوده و از فقدان اختیارات نماینده، اطلاعی نداشته باشد، معامله وی صحیح تلقی می‌شود (Chitty, 2004: 1392). همین حکم در خصوص فروش به وسیله فروشنده و یا متصرفی که تصرف مستمر بر کالا یا اسناد مالکیت آن دارد، نیز جاری است؛ مشروط بر آنکه خریدار با حسن نیت باشد و از عدم اختیار فروشنده آگاهی نداشته باشد (Ting and Fontaine, 2008: 7-10).

۳- هرگاه فروش بر اساس یک قدرت قانونی یا دستور دادگاه صالح صورت گرفته باشد، مقررات قانون فروش کالا و از جمله عدم مالکیت فروشنده، اعتبار این قرارداد را مخدوش نمی‌نماید. همچنین بر اساس ماده ۲۳ قانون فروش کالا، زمانی که یک فروشنده مالکیت کالا را طبق قراردادی که قانوناً قابل ابطال است، به

خریدار منتقل می‌کند، خریداری که کالا را با حسن نیت و بدون اخطار عیب مالکیت فروشنده خریداری کرده باشد، مالک کالا شناخته می‌شود (Ting and Fontaine, 2008: 5-6).

۴- بر اساس ماده ۲۲ (۱) قانون فروش کالا مصوب ۱۹۷۹ زمانی که کالاها مطابق با عرف بازار، در بازار عمومی به فروش می‌رسند، خریدار با حسن نیت، مستحق مالکیت کالا است؛ حتی اگر فروشنده مالک کالا نباشد (Lai, 1994:440). همین حکم در خصوص خریدار با حسن نیتی که یک وسیله نقلیه موتوری را به عنوان اجاره به شرط تملیک می‌خرد، نیز جاری است (Merrett, 2014: 6-9).

۵.۳. رویکرد حقوق انگلستان به جبران خسارت خریدار

نظام حقوقی انگلستان، در پاره‌ای موارد با پذیرش استثنائاتی بر قاعده نمایندگی‌های بدون توافق، مالکیت خریدار معامله فضولی را به رسمیت شناخته است. چنانکه در مقدمه این مقاله نیز بیان شد، در صورتی که معامله فضولی را صحیح بدانیم، اساساً خسارتی به خریدار معامله فضولی وارد نمی‌شود که نیازی به جبران داشته باشد، در نتیجه در حقوق این کشور، موضوع جبران خسارت خریدار فضولی، به شکلی که در حقوق ایران مطرح می‌گردد، قابل طرح نیست؛ به عبارت دیگر، حقوق انگلستان با وضع این مقررات، تلاش نموده است تا از ورود خسارت به خریدار با حسن نیت جلوگیری نماید.

با بررسی موارد استثناء قاعده نمایندگی‌های بدون توافق، می‌توان به این نتیجه رسید که در حقوق انگلستان با اجتماع دو شرط، قانون‌گذار معامله فضولی را صحیح دانسته است: شرط نخست جهل و عدم اطلاع خریدار از فضولی بودن معامله و عدم مالکیت فروشنده است. بدیهی است، خریداری که از عدم مالکیت فروشنده مطلع باشد، یا با وجود هشدارها و یا قرائن قابل قبول، باز هم مبادرت به خرید کالا از غیر مالک نموده باشد، مورد حمایت قانون‌گذار قرار نگرفته و مالکیتی

مبانی و چگونگی جبران خسارات وارده به خریدار در معامله فضولی با مطالعه... ۲۷۱

بیش از آنچه فروشنده داشته، به دست نمی‌آورد؛ در نتیجه کالا همچنان متعلق به مالک اصلی خواهد بود و مالک هیچ‌گونه مسئولیتی در قبال خریدار و بایع فضولی نخواهد داشت. (اندرز، ۱۳۹۲: ۱۴۸) دومین شرط نیز متعارف بودن معامله فضولی است. در نتیجه اگر خریدار، کالایی را با قیمت نامتعارف نسبت به قیمت بازار خریداری نماید، به نحوی که این احتمال منطقی ایجاد شود که ممکن است، فروشنده مالک کالا نباشد، همانند شخصی که مالی را از محل فروش اموال مسروقه و با قیمت ارزان‌تر از متعارف خریداری نماید، مالک شناخته نمی‌شود. همچنین اگر شخصی کالاهایی را که عرفاً با سند مالکیت (برگ خرید) معامله می‌شود، بدون ملاحظه فاکتور خریداری نماید، استحقاق حمایت قانون‌گذار را ندارد. با وجود این دو شرط، می‌توان خریدار فضولی را به عنوان خریدار با حسن نیت تلقی و از مالکیت وی حمایت نمود.

دلیل و مبنای حکم قانون‌گذار در حمایت از مالکیت خریدار معامله فضولی را می‌توان بر دو مبنای «حمایت از منافع شخصی اشخاص» و «حمایت از بازار و اقتصاد عمومی» استوار نمود. از یک سو مبنای این حکم حمایت از خریدار با حسن نیتی است که به اماره تصرف اعتماد کرده و بر مبنای تصرف فیزیکی و مستمر کالا توسط بایع فضولی، تصور نموده که وی مالک حقیقی کالا است و آن را با قیمت و شرایط متعارف خریداری نموده است؛ حمایت از این شخص ایجاب می‌کند که مالکیت وی معتبر شناخته شده و چنان چه مالک هرگونه ادعایی داشته باشد، صرفاً بتواند به بایع فضولی مراجعه کند. از سوی دیگر استواری معاملات بازار و استحکام روابط تجاری و اقتصادی در جامعه ایجاب می‌کند که قانون‌گذار، معاملات متعارف بازار را از سوی خریداران با حسن نیت، معتبر تلقی کند؛ در غیر این صورت، خریدار در هیچ معامله‌ای نمی‌تواند به فروشنده اعتماد نماید و مکلف خواهد بود که در هر مورد شخصاً مالکیت وی را احراز نماید؛ امری که در بیشتر موارد متعذر و یا دست‌کم متعسر است.

به طور خلاصه می‌توان گفت، حقوق انگلستان مالک را برای تحمل زیان سزاوارتر از خریدار با حسن نیت می‌داند؛ دیدگاهی که دست‌کم از جهت حمایت از حقوق خریدار با حسن نیت، موجه به نظر می‌رسد. صرف‌نظر از اینکه آیا راهکار حقوق انگلستان در حقوق ایران نیز قابل‌اعمال است یا خیر، باید به این نکته توجه نمود که خریدار با حسن نیت معامله فضولی، مرتکب هیچ‌گونه قصور یا تقصیری نشده که بتوان خسارات وارده را بر وی تحمیل نمود. در حالی که در چنین مواردی، معمولاً مالک با نوعی کوتاهی و یا تقصیر، فضول را در شرایطی قرار داده که بتواند از عدم آگاهی خریدار سوءاستفاده نموده و مال را به نحو فضولی به فروش رساند؛ بنابراین، در چنین مواردی عدالت اقتضا دارد که در رابطه مالک و خریدار، این خسارت به مالک وارد آید نه به خریدار؛ البته بدیهی است که مسئولیت نهایی جبران خسارت بر عهده فضول است و مالک حق خواهد داشت، خسارات وارد به خود را از فضول مطالبه نماید.

هر چند که دیدگاه صحت معامله فضولی بدون تنفیذ مالک، در حقوق ایران، قابل پذیرش به نظر نمی‌رسد، لیکن معیار مورد استفاده در حقوق انگلستان، در حقوق ایران نیز قابل استفاده است. نظام حقوقی انگلستان خریدار با حسن نیت را نسبت به «عین مورد معامله» دارای استحقاق می‌داند و به همین سبب مالکیتی را که در نتیجه معامله فضولی به دست آورده است، صحیح تلقی می‌نماید؛ لیکن در حقوق ایران می‌توان بر مبنای مسئولیت مدنی، خریدار را نسبت به «مثل یا قیمت مورد معامله» محق شناخت.

۶. نتیجه‌گیری

با عنایت به شیوه نگارش ماده ۲۶۳ قانون مدنی و شرایط مندرج در آن، چنین استنباط می‌شود که قاعده غرور، بیش از هر مبنای دیگری می‌تواند لزوم جبران خسارت وارد به خریدار و مبنای وضع این ماده را توجیه نماید؛ لذا حدود و ثغور جبران خسارت خریدار معامله فضولی نیز بایستی بر اساس همین قاعده تبیین گردد.

مبانی و چگونگی جبران خسارات وارده به خریدار در معامله فضولی با مطالعه... ۲۷۳

از سوی دیگر، اصل جبران کامل خسارت ایجاب می‌نماید، خریدار معامله فضولی در وضعیتی قرار گیرد که اگر معامله صحیح بود، در آن وضعیت قرار می‌گرفت؛ یعنی قانون‌گذار باید از منافع مشروعی که خریدار در نتیجه انعقاد عقد صحیح می‌توانست به دست آورد، حمایت نماید.

این مبانی ما را بدین سمت رهنمون می‌سازد که بایست برای جبران خسارت وارده به خریدار، ارزش روز مبیع محاسبه گردد و خریدار بتواند آنچه در نتیجه بطلان بیع از دست داده است (مبیع)، از بایع فضولی مطالبه نماید. بر همین اساس، علاوه بر مطالبه ثمن، خریدار باید بتواند افزایش قیمت مبیع که پس از عقد حاصل شده است را نیز از بایع فضولی طلب کند. با همین تحلیل مشخص می‌شود که رأی وحدت رویه دیوان عالی کشور که مطالبه ارزش روز ثمن را تجویز نموده، فاقد مبنای حقوقی مشخصی است یا به عبارت بهتر با مبانی جبران خسارت سازگار نیست؛ مضافاً اینکه در پاره‌ای از موارد، ممکن است خسارت وارده به خریدار را به صورت کامل جبران ننماید.

با مطالعه در حقوق انگلستان نیز می‌توان دریافت که نظام حقوقی این کشور، در مواردی که خریدار فضولی با حسن نیت عمل نموده است، با پذیرش استثنائاتی معامله فضولی را صحیح می‌داند که در نتیجه، زیان ناشی از معامله فضولی اساساً به خریدار وارد نشده و به مالک تحمیل می‌گردد. لذا می‌توان گفت که این نظام حقوقی، حداکثر حمایت را از خریدار با حسن نیت معامله فضولی به عمل آورده است. هر چند پذیرش صحت معامله فضولی در حقوق ایران، قابل قبول به نظر نمی‌رسد، لیکن از این دیدگاه، در جهت جبران کامل خسارت خریدار با حسن نیت معامله فضولی، می‌توان بهره جست.

نتیجه اینکه در حقوق ایران نیز در مواردی که خریدار معامله فضولی با حسن نیت عمل نموده و تقصیری متوجه وی نیست، از آنجا که مشمول قاعده اقدام قرار نمی‌گیرد، باید اصل را بر جبران کامل خسارت قرار داده و بایع فضولی را ملزم

بدانیم که کلیه خسارات وارده به او را جبران نماید؛ یعنی خریدار بتواند علاوه بر ثمن و هزینه‌های مستقیم معامله و هزینه‌هایی که در مقابل آن نفعی نبرده است، مابه‌التفاوت ثمن و قیمت روز مبیع را نیز از بایع فضولی مطالبه نماید. دیدگاهی که از نظر فقهی نیز بر اساس قاعده غرور قابل توجیه است.

منابع

الف. فارسی

- اباذری فومشی، منصور (۱۳۹۳). آموزش عمومی حقوق: معاملات فضولی. تهران: انتشارات شهید داریوش نوراللهی.
- امیری قائم مقامی، عبدالمجید (۱۳۷۸). حقوق تعهدات. جلد دوم. تهران: نشر میزان.
- اندرز، داود (۱۳۹۲). متون حقوقی انگلیسی. تهران: انتشارات مجد.
- انصاری، شیخ مرتضی (۱۳۹۲). شرح مبسوط مکاسب: عقد نمایندگی و فضولی. ترجمه عباس زراعت. تهران: انتشارات جاودانه.
- ایزائلو، محسن؛ پاک طینت، حسن (۱۳۹۱). «مطالعه ماهوی و آئین دادرسی جمع و انتخاب مسئولیت قهری و قراردادی نسبت به طرفین قرارداد». فصلنامه حقوق. دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران. دوره ۴۲، شماره ۱. ۸۷-۶۷.
- بادینی، حسن (۱۳۹۰). «بررسی تطبیقی قابلیت جبران «ضرر اقتصادی» در مسئولیت مدنی». فصلنامه حقوق. دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران. دوره ۴۱، شماره ۱. ۷۸-۵۹.
- بهرامی احمدی، حمید (۱۳۸۶). حقوق مدنی ۳: کلیات عقود و قراردادها. تهران: انتشارات میزان.
- بهرامی احمدی، حمید (۱۳۷۷). سوء استفاده از حق، مطالعه تطبیقی در حقوق اسلام و دیگر نظام‌های حقوقی. تهران: انتشارات اطلاعات.
- بهرامی احمدی، حمید (۱۳۸۸، الف). «آیا قاعده لاضرر بر احکام عدمی حکومت

مبانی و چگونگی جبران خسارات وارده به خریدار در معامله فضولی با مطالعه... ۲۷۵

دارد؟ (آیا قاعده لاضرر اثبات حکم می‌کند؟)». پژوهشنامه حقوق اسلامی.

دوره ۱۰، شماره ۲۹، ۲۹-۵.

بهرامی احمدی، حمید (۱۳۸۸، ب). قواعد فقه؛ مختصر هفتاد و هفت قاعده فقهی

حقوقی (با تطبیق بر قوانین). تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).

بهرامی، بهرام (۱۳۷۹). معاملات فضولی و انتقال مال غیر. تهران: نگاه بینه، کانون

انتشارات پیام عدالت.

بهرامی، بهرام و بهرامی، زهرا (۱۳۹۰). معامله فضولی و انتقال مال غیر. تهران:

انتشارات نگاه بینه.

حائری شاه‌باغ، سیدعلی (۱۳۷۶). شرح قانون مدنی. جلد اول. تهران: انتشارات گنج

دانش.

ره‌پیک، حسن (۱۳۸۷). حقوق مدنی: حقوق قراردادها. تهران: انتشارات خرسندی.

صادقی مقدم، محمدحسن و شکوهی‌زاده، رضا (۱۳۹۰). «حکم معامله فضولی و

مبنای آن در حقوق انگلیس، فرانسه، آلمان و ایران». مجله حقوق تطبیقی (نامه

مفید)، دوره ۷، شماره ۲، ۴۴-۲۵.

صفایی، سید حسین؛ عیسی تفرشی، محمد و قنواتی، جلیل (۱۳۸۰). «تحلیل

نمایندگی ناشی از تنفیذ در حقوق اسلام، ایران و انگلیس». مجله مدرس

علوم انسانی. دوره ۵، شماره ۴، ۷۹-۱۰۴.

صفایی، سید حسین؛ رحیمی، حبیب‌اله (۱۳۸۹). مسئولیت مدنی، الزامات خارج از

قرارداد. تهران: سمت.

صفری، محسن؛ پاک‌طینت، حسن (۱۳۸۹). «مسئولیت قهری و قراردادی: تفاوت‌ها و

کارکردها». فصلنامه حقوق. دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

دوره ۴۰، شماره ۲۶۶، ۴-۲۴۷.

طاهری، حبیب‌الله (بی‌تا). حقوق مدنی ۳ و ۴. جلد دوم. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

فتاحی، مهدی (۱۳۹۵). «مبدأ محاسبه خسارت تأخیر تأدیه چک». فصلنامه قضاوت.

دوره ۱۶، شماره ۸۵، ۱۳۲-۱۱۵.

قاسم‌زاده، سیدمرتضی (۱۳۸۳). حقوق مدنی: اصول قراردادها و تعهدات. تهران: نشر دادگستر.

قربانیان، حسین (۱۳۸۹). «مسئولیت مدنی کارگزاران بورس و فرآیند طرح دعاوی مرتبط در مراجع صالحه». مجله پژوهش‌های حقوقی. شماره ۱۷. ۳۰۳-۳۴۰.
کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۶). الزام‌های خارج از قرارداد (ضمان قهری)، مسئولیت مدنی. جلد اول. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۸۳). قواعد فقه، بخش مدنی (۱). تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.

محقق داماد، سیدمصطفی و جمعی از نویسندگان (۱۳۸۹). حقوق قراردادها در فقه امامیه. جلد دوم. تهران: انتشارات سمت.

مدنی، سید جلال‌الدین (۱۳۸۳). حقوق مدنی. جلد سوم. تهران: انتشارات پایدار.
معین، محمد (۱۳۸۲). فرهنگ فارسی معین. جلد ۲ (مجلد ۱ تا ۳). تهران: انتشارات بهزاد.

مقصودی، مراد (۱۳۹۱). حقوق مدنی ۳: قراردادها و تعهدات. تهران: انتشارات خرسندی.

موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۶۸). تحریر الوسیله. ترجمه علی اسلامی، جلد دوم. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

ب. عربی

انصاری، شیخ مرتضی (۱۴۲۰). کتاب المکاسب. جلد سوم. قم: المؤتمر العالمی بمناسبه الذکری المئویہ الثانیہ لمیلاد الشیخ الأنصاری.

انصاری، شیخ مرتضی (۱۴۱۴). رسائل فقهیه. قم: أمانة العامه للمؤتمر المئوی للشیخ الأعظم الانصاری (قدس ره).

مبانی و چگونگی جبران خسارات وارده به خریدار در معامله فضولی با مطالعه... ۲۷۷

آخوند خراسانی، شیخ محمد کاظم (بی تا). کفایه الاصول. قم: مؤسسه آل البيت (ع) لاحیاء التراث.

آل بحر العلوم، سید محمد (۱۳۶۲). بلغه الفقیه. جلد دوم. تهران: مکتبه الصادقه.

حر عاملی، شیخ محمد بن الحسن (۱۴۱۴). وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه. جلد ۲۵. قم: مؤسسه آل البيت (ع) لاحیاء التراث.

حسینی المراغی، میر عبدالفتاح (۱۴۱۷). العناوین الفقهیه. ج ۱. قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین بقم المشرفه.

حلی (علامه حلی)، حسن بن یوسف (بی تا، الف). تذکره الفقهاء. جلد اول. قم: منشورات المکتبه المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه.

حلی (علامه حلی)، حسن بن یوسف (بی تا، ب). تذکره الفقهاء. جلد دوم. قم: منشورات المکتبه المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه.

حلی (فخر المحققین)، محمد بن حسن بن یوسف (۱۳۸۷). ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد. جلد اول. قم: مؤسسه اسماعیلیان.

حلی (محقق حلی)، نجم الدین جعفر بن حسن (۱۴۰۸). شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام. جلد دوم. قم: مؤسسه اسماعیلیان.

خوانساری، سید احمد (۱۴۰۵). جامع المدارک فی شرح المختصر النافع. جلد پنجم. قم: مؤسسه اسماعیلیان.

طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم (۱۳۷۸). حاشیه مکاسب. جلد اول. قم: مؤسسه اسماعیلیان.

طباطبایی، سید علی (۱۴۲۰). ریاض المسائل فی تحقیق الاحکام بالدلائل. جلد نهم. قم: مؤسسه آل البيت (ع) لاحیاء التراث.

عاملی (محقق ثانی)، علی بن حسین (۱۴۱۴). جامع المقاصد فی شرح القواعد. قم: مؤسسه آل البيت (ع).

موسوی خوئی، سید ابوالقاسم (۱۳۷۷). مصباح الفقاهه. تقریر ابیحات سماحه آیه الله

- العظمی السید أبو القاسم الموسوی الخوئی (قدس سره) بقلم محمدعلی التوحیدی التبریزی. جلد چهارم. قم: مکتبه داوری.
- نائینی، میرزا محمدحسین (۱۴۱۸). حاشیه المکاسب (منیه الطالب). تألیف: شیخ موسی نجفی خوانساری. قم: موسسه النشر الاسلامی.
- نجفی، محمدحسن (۱۳۷۴). جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام. جلد ۲۲. تهران: نشر دارالکتب الاسلامیه.
- نراقی، ملا احمد (۱۴۰۸). عوائد الایام فی بیان قواعد الاحکام و مهمات مسائل الحلال و الحرام. چاپ سنگی. قم: مکتبه بصیرتی.

ج. انگلیسی

- Atiyah, P.S; Adams, John; Macqueen, Hector (2010). **Sale of Goods**. 12th Edition. New York: Pearson.
- Balavar, Elham (2014). "The Doctorin of Nemo Dat Quod Non Habet and Its Exceptions". **Journal of Applied Environmental and Biological Sciences**. Vol. 4(5)7-14.
- Chitty, Joseph. (2004). **Chitty on Contracts: Sale of Goods**. 29th Edition. London: Sweet & Maxwell.
- Cooke, John (2009). **Law of Tort**. 9th ed. Harlow: Pearson Longman.
- Lai, Ho Hock. (1994). "Can a Thief Pass Title to Stolen Goods". **Singapore Academy of Law Journal**. Vol.6. S.Ac.L.J. pp.439-440.
- McKendrick, Ewan. (2000). **Contract Law**. 4th Edition, London: Palgrave Macmillan.
- Merrett, Louise (2014). "Commercial Law Lectures: Sale of goods; Transfer of Title by Non owner". [Online]. <www.law.cam.ac.uk>. [26 Mars 2014].
- Ting, Lai and Fontaine, Wai. (2008). "Commercial Law, Sale of Goods: Sale by a non-owner". [Online]. <www.viperfusion.com/Commercial Law. Sale by a Non-owner>. [17 Apr 2013].